کابینهٔ اسرائیل پس از جنگ ۱۲ روزه شهرک‌نشینان را به حال خود رها کرده است

بوروکراسی در برزخ

علی ملکی
خبرنگار گروه سیاست

«زندگی در اسرائیل به شکل سابق خود بازگشته است. جنگ با ایران، سکانس پیوسته‌ای از صدای آژیر بود، پناه‌گیری‌های مداوم و موشک‌هایی که آسمان را می‌شکافتند و حالا انگار کسی کلید وضعیت عادی را فشار داده است. مردم به سواحل برگشته‌اند. خیابان‌های اورشلیم و تل‌آویو دوباره پر شده‌اند. خط افق شهر تقریباً همان است.»

روزنامه جروزالم پست نوشت همه این‌ها یک فریب است.

این روزنامه‌عبری طی گزارشی به‌بررسی وضعیت داخلی شهرک‌های اشغالی پرداخته است: «اگر با دقت نگاه کنید، یادگارهای پراکنده‌ای از آن کابوس ۱۲ روزه را خواهید دید. بتن‌های سوخته، پنجره‌های شکسته و جرثقیل‌هایی که در کنار ساختمان‌هایی که ستون فقراتشان با اصابت مستقیم موشک‌ها شکسته، نصب شده‌اند. یک بالکن در «بات‌یام» آویزان مانده، یک برج در «رمت‌گن» بانرده محصور شده است. این‌ها زخم‌هایی هستند که لحظات پیش گرفته و سعی می‌کند چهره مطلوبی بین همه طیف‌های اشغالگران باشد اما همچنان نمی‌تواند تمایلش به سیاست‌های راست‌گرایانه را پنهان کند. این روزنامه طی مصاحبه‌ای با «میچال زیلبرمن»، مدیرعامل مؤسسه «انگلیسی برای مردم» وضعیت داخلی اسرائیل پس از جنگ دوازده‌روزه با ایران را بررسی کرده است. جروزالم پست ادعا می‌کند زیلبرمن کسی است که آپارتمانش در مرکز اسرائیل در جریان حمله موشکی آسیب دیده است و اکنون در چین حضور دارد.

آپارتمان او در «برج الیت» در خیابان «جابتینسکی» در مرکز «رمت گن» قرار داشته و ابراز امیدواری می‌کند که زمانی که موشک اصابت کرد، داخل ساختمان نبود. تنها از بیرون خسارت را دیدم. ساختمان ناامن اعلام شد و از آن زمان اجازه ورود نداشته‌ام.

در روزهای پس از آتش‌بس، هر شهرک اشغالی جایی برای اسکان موقت راه‌اندازی می‌کند. این مکان‌ها جایی بودند که ساکنان آواره باید ثبت‌نام می‌کردند و اسکان موقت حبس نفس در سینه اسرائیل را یادآوری می‌کنند.»

جروزالم پست با این توضیحات یک سؤال می‌پرسد: «حالا چه خواهد شد؟» در همین حال اخبار دیگری نیز این روزها منتشر شده که در سطح فرامتن، مرتبط با این گزارش هستند. خبرهایی از جنس موج نافرمانی در ارتش رژیم صهیونیستی و نارضایتی آمریکایی‌ها از نقش‌آفرینی کشورشان در جنایت‌های اسرائیل.

یک بطری آب هم به ما ندادند

«جروزالم پست» روزنامه انگلیسی‌زبان است که ابتدا توسط یک فرد یهودی-آمریکایی در قدس با نام «فلسطین‌پست» تأسیس شد اما بعد از آغاز اشغالگری‌های رژیم صهیونیستی، این روزنامه به اورشلیم پست تغییر نام داد و با نام جروزالم پست در دنیا مشهور است. این روزنامه از اشغالگری‌های اسرائیل حمایت گسترده‌ای کرد و همان زمان بازوی رسانه‌ای اشغالگران بود. ابتدا متمایل به حزب کارگر بود و بعد از قدرت‌گیری محافظه‌کاران، به حزب لیکود نزدیک شد. امروز این روزنامه سیاست‌های میانه‌روی در

مقامات سرگردانند

زیلبرمن مشکلات مختلفی را برمی‌شمرد و در عین حال که خود را مدیر یک شرکت و مجرب در حل مشکلات می‌داند توضیح می‌دهد: «این یک فرایند واحد ندارد. هیچ قانونی ندارد. هیچ منطق روشنی وجود ندارد. شما یک ایمیل می‌فرستید، پنج پاسخ متفاوت دریافت می‌کنید. هر مقام دولتی یک رویکرد متفاوت دارد و همه آن‌ها ادعا می‌کنند که راه‌حل آن‌ها درست است.»

او می‌گوید: «ده‌ها جلسه با نمایندگان اداره مالیات بر املاک و شهرداری برگزار شد، اما هیچ شفافیتی و از همه مهم‌تر، هیچ وعده زمانی مشخصی وجود ندارد. نمایندگان مالیات بر املاک ادعا می‌کنند که قانون به آن‌ها هشت ماه فرصت می‌دهد تا غرامت را صادر کنند. هشت ماه! در همین حال، مردم برای بقای خود مجبورند وام بگیرند. با این حال، ناراحتی اصلی کمبود منابع نیست، بلکه عدم اطمینان است.»

زیلبرمن توضیح می‌دهد که «هیچ یکپارچگی وجود ندارد. هیچ نهاد واحدی این مأموریت را هماهنگ نمی‌کند.» او می‌گوید: «هر فرم به یک امضای دیگر نیاز دارد. هر تأییدیه به چیز دیگری بستگی دارد. این یک بوروکراسی متناقض است. و این چیزی است که مردم را از پا درمی‌آورد. من قرار نیست به خاطر یک درگیری در سطح دولت، زندگی‌ام را از صفر بسازم. اما دقیقاً همین چیزی است که مجبور به انجامش شده‌ام. مبالغ هنگفتی را برای تثبیت زندگی‌ام هزینه کرده‌ام، اما در نهایت هیچ نشانه‌ای از زمان بازپرداخت به من داده نشده است.»

انگار در برزخ هستید

زیلبرمن در ادامه از وضعیت روانی شهرک‌نشینان و عدم رسیدگی مسئولان شکایت می‌کند: «شما مضطرب هستید، استرس دارید، در میانه یک جنگ هستید و سپس سیستم حمایتی که قرار است مقداری از این فشار را کاهش دهد کار نمی‌کند. هیچ‌کس مسئولیت واقعی شرایط شما را بر عهده نمی‌گیرد. شما فقط در برزخ هستید... ما را به حال خودمان رها کرده‌اند تا خودمان راه‌حلی پیدا کنیم.»

نقطهٔ فروپاشی

زیلبرمن نگران است که این عدم اطمینان تا چه زمانی ادامه خواهد داشت. او معتقد است که این روند می‌تواند همان قطره‌ای باشد که صبر مردم را لبریز کند. صهیونیست‌ها انتظار داشتند پس از ۷ اکتبر، اوضاع بهتر شود اما زیلبرمن معتقد است که یک سال و اندی بعد، هنوز هیچ سیستمی وجود ندارد و مقامات یاد نگرفته‌اند در زمان بحران‌ها و ناامیدی‌ها مؤثرتر عمل کنند. او از کابینه رژیم سلب امید کرده و تأکید می‌کند: «اگر زمین بخوری، واقعاً به خودت بستگی دارد که دوباره بلند شوی. این یک ترن هوایی احساسی است. از نظر مالی، از نظر ذهنی. هیچ ثباتی وجود ندارد. شما فقط یک آپارتمان را از دست نمی‌دهید. آرامش ذهنی خود را از دست می‌دهید.»

صفحهٔ بعدی زندگی‌مان خالی است

انتقادها از این بلاتکلیفی در شهرک‌های اشغالی صدای خیلی از اشغالگران را درآورده است. جروزالم پست می‌نویسد: «برای ما که از کنار آن ساختمان‌های آسیب‌دیده با چشمانی بر جاده و ذهن‌هایی در جایی دیگر عبور می‌کنیم، آسان است که فکر کنیم اوضاع به حالت عادی بازگشته است. اما برای خانواده‌هایی که هنوز منتظر پاسخ‌های ملموس، غرامت واقعی، یا فقط فرصتی برای ورود به خانه‌هایشان و بازیابی برخی اشیای محبوب هستند، عادی بودن راهی طولانی در پیش دارد. این در مورد بحث‌های سیاسی یا استراتژی‌های دفاعی نیست. این در مورد مردمی است که تلاش می‌کنند فصل بعدی زندگی‌شان را آغاز کنند و متوجه می‌شوند سیستمی که قرار بود از آن‌ها حمایت کند، صفحه بعدی را خالی گذاشته است.»

ترجیح می‌دهیم در ساختمان آسیب‌دیده بمانیم

گزارش اضافه می‌کند که این‌طور هم نبوده که هر کسی که تأثیر موشک‌های ایرانی را حس کرده به هتل‌ها آواره شده یا به طور کامل از خانه‌اش بیرون آمده باشد. برخی سر جای خودشان ماندند و ادامه دادند. اما نه به این دلیل که وضعیت ساختمانشان مطلوب بوده، بلکه ترجیح می‌دهند در همان شرایط بمانند تا اینکه بخواهند درگیر مشکلات ناشی از جابه‌جایی و مصائب رزرو هتل‌ها شوند.

جروزالم پست می‌نویسد این مورد «مور کاهانا»، یک دانشجوی جوان بود که با دوستش در حیفا زندگی می‌کرد. به گفته این روزنامه ساختمان او به طور مستقیم مورد اصابت قرار نگرفت، موشک فقط یک خیابان بالاتر فرود آمد، اما انفجار به قدری بود که ساختمان را به شدت تکان داد، دیوارها را ترک داد، درهای بالکن را شکست و تمام منطقه را شبیه یک منطقه جنگی کرد.

خودت انجامش بده

کاهانا می‌گوید این اتفاق در هفته اول جنگ بود، زمانی که آژیرهای بی‌شماری در سراسر حیفا و منطقه خلیج به‌صدا درآمدند. پالایشگاه‌های «بازان» از قبل مورد اصابت قرار گرفته بودند. شهر «تمرا» در آن سوی رودخانه «کیشون» نیز همین‌طور. به‌طور معمول، وقتی آژیرها به‌صدا درمی‌آمدند آن‌ها به پناهگاه عمومی در مدرسه پایین خیابان می‌شتافتند. پناهگاه پر از آدم بود. پس از چند دقیقه انتظار زیر زمین، موشک اصابت کرد. «یک صدای بوم بود. یک صدای واقعاً سنگین، گرد و غبار از سقف شروع به ریختن کرد. همه خشکشان زد. مردم شروع به دعا کردند و دیوانه‌وار تلفن‌هایشان را چک می‌کردند. برخی برای نگاه کردن بالا رفتند. در آن زمان بود که شایعات شروع شد. یک اصابت نزدیک رخ داده است.» کاهانا می‌گوید دنبال کردن نمایندگان بیمه برای جبران خسارت ساختمان‌ها به این صورت بود که «آن‌ها قرار ملاقات نمی‌گذارند. فقط یک‌باره سروکله‌شان پیدا می‌شود. و اگر آن‌ها را از دست بدهی، باید برای یک تاریخ دیگر وقت بگیری.»

در ادامه گزارش می‌افزاید از آنجا که کاهانا و شریکش مستأجر بودند، صاحب‌خانه مسئول تعمیرات بود. اما با عدم همراهی مقامات، کاهانا خود دست به کار شد: «خودم با یک پیمانکار تماس گرفتم. فقط می‌خواستم کار تمام شود. نمایندگان مالیات بر املاک یک مدل غرامت ساده ارائه دادند، یک مبلغ ثابت بدون برآورد خسارت‌ها! بیش از دو هفته طول کشید تا درهای جدید نصب شوند. تا آن زمان، ما فقط توانستیم بگذرانیم. هیچ محافظت واقعی، هیچ حریم خصوصی واقعی. اما نمی‌خواستیم برویم. همین چند ماه پیش بود که مجبور شدیم از «کریات شمونا» بیرون بیاییم. این از قبل برای ما یک آوارگی بیش از حد بود.»

سیاست ورزی هرج و مرج

گزارش جروزالم پست در بخش پایانی خود نتیجه‌گیری می‌کند که جنگ اخیر یک رویارویی تاریخی بود، اما با فروکش کردن گردوغبار، ناکارآمدی دولت اسرائیل نیز دوباره نمایان شد. دولتی که در گرفتن تسلیحات از اروپا و آمریکا توانمند است، اما در مدیریت پیامدهای آن ناتوان.

جروزالم پست می‌نویسد نتیجه این بی‌نظمی‌ها به یک الگوی ثابت می‌رسد: «هرج‌ومرج در بالا و بداهه‌پردازی در پایین». اولین پاسخ مقامات دولتی همیشه سردرگمی است، با دستورالعمل‌های متناقض و بدون هیچ جدول زمانی مشخصی. در این میان، تنها زمانی اوضاع کمی پیش می‌رود که اشغالگران آسیب‌دیده خودشان دست به کار می‌شوند و به دنبال مسئولان می‌دوند یا هزینه‌ها را از جیب خودشان پرداخت می‌کنند.

گزارش می‌افزاید که این داستان‌ها از یک حس عمیق رهاشدگی می‌گویند. اینکه هیچ‌کس پشت فرمان نیست و از مردم انتظار می‌رود برای پاسخ‌های ناقص و تعمیرات موقت سپاسگزار باشند، در حالی که مجبورند زندگی عادی خود را ادامه دهند؛ انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است.

در پایان، جروزالم پست تأکید می‌کند که قدرت اسرائیل هرگز در بوروکراسی روان نبوده است، اما همان‌طور که این روایت‌ها نشان می‌دهند، تاب‌آوری نباید با رضایت یا شایستگی دولت اشتباه گرفته شود: «پیامدهای جنگ همچنان برای بسیاری از مردم ادامه دارد و سکوت در مورد آن، به اندازه صدای انفجارها بلند و سنگین است.»

بحران‌های همبرگری

گزارش روزنامه عبری تصویری از ناکارآمدی و سردرگمی در مدیریت پیامدهای جنگ توسط دولت اسرائیل ارائه می‌دهد. این روایت به ما اجازه می‌دهد تصویری جامع‌تر از وضعیت داخلی اسرائیل پس از جنگ ترسیم کنیم. گزارش به خرابی‌ها در شهرک‌های اشغالی و ناامیدی شهرک‌نشینان از بوروکراسی کابینه نتانیاهو می‌گوید، اما هم‌زمان سه روایت دیگر از رسانه‌های متفاوت منتشر شد که بی‌ارتباط به یکدیگر نیستند و بحران‌های چندلایه‌ای از شرایط کنونی رژیم را مشخص می‌کنند.

۱ موج نافرمانی در ارتش اسرائیل

شبکه خبری قدس به موج نافرمانی‌ها در ارتش اسرائیل اشاره می‌کند. این یک واقعیت تلخ است که فشار جنگ طولانی‌مدت بر نیروهای ذخیره و سربازان عادی بسیار زیاد است. تصاویر منتشرشده توسط شبکه خبری قدس از سربازان زخمی و معترض، شاهدی بر همین فشار روانی و جسمی است. پیام «عملیات نظامی بیهوده است» که در این تصاویر نوشته شده، نه‌تنها نشان‌دهنده خستگی از جنگ است، بلکه به نوعی با تجربه اشغالگران از جنگ همخوانی دارد. وقتی آنها می‌بینند که کابینه اسرائیل حتی در مدیریت بحران‌های داخلی و کمک به آن‌ها ناکام است، انگیزه و اعتماد به سیستم نظامی و سیاسی کشور کم می‌شود. اگر سربازان خودشان عملیات را «بی‌فایده» بدانند و از بازگشت به میدان جنگ خودداری کنند، این نشان‌دهنده شکاف عمیق بین اهداف اعلامی دولت و واقعیت‌های میدانی و انسانی است.

۲ شکست تصویر شکست‌ناپذیری

تحلیلگر شبکه بی‌بی‌سی در گفت‌وگویی اعتراف کرده است که سامانه دفاعی اسرائیل در برابر موشک‌های ایران فلج شد و موشک‌های ایران کاملاً به اهداف خوردند. این دقیقاً همان چیزی است که تحلیلگران بی‌بی‌سی به آن اعتراف کرده‌اند: «سامانه دفاعی اسرائیل در برابر موشک‌های ایران فلج شد.» این موضوع، ضربه‌ای مهلک به تصویری است که اسرائیل سعی دارد از خود به‌عنوان یک قدرت نظامی شکست‌ناپذیر بسازد. اعتراف به اینکه ۱۰۰ درصد موشک‌ها به اهداف اصابت کردند و اسرائیل «ناچار شد جنگ را متوقف کند»، ابعاد سیاسی و روانی جنگ را نیز پررنگ می‌کند. شهرک‌نشینانی که به گنبد آهنین به‌عنوان سپری قابل‌اعتماد نگاه می‌کردند، در طول جنگ ۱۲روزه با واقعیت تلخ نفوذپذیری آن روبه‌رو شده‌اند. این ناامنی، اضطراب و استرسی که در صحبت‌های «میچال زیلبرمن» و «مور کاهانا» به آن اشاره شد، تشدید و حس «بودن در برزخ» را عمیق می‌کند.

۳ خستگی آمریکایی‌ها از حضور در اسرائیل

اخیراً مؤسسه گالوپ طی نظرسنجی اذعان کرده که حمایت مردم آمریکا از عملیات نظامی اسرائیل در غزه به‌شدت کاهش یافته و به پایین‌ترین سطح خود از زمان آغاز جنگ رسیده است. طبق این آمار تنها ۳۲ درصد از مردم آمریکا از این عملیات حمایت می‌کنند، درحالی‌که ۶۰ درصد با آن مخالف‌اند. این آمار نشان‌دهنده کاهش چشمگیر نسبت به ابتدای جنگ است که حدود نیمی از آمریکایی‌ها از این عملیات حمایت می‌کردند. این کاهش حمایت به‌طور خاص در میان جوانان مشهود است، به‌طوری‌که ۹۰ درصد از آمریکایی‌های زیر ۳۵ سال حامی عملیات نظامی اسرائیل نیستند. در مقابل، ۵۰ درصد از افراد بالای ۵۵ سال همچنان از این اقدامات حمایت می‌کنند که نشان‌دهنده یک شکاف نسلی عمیق است. از نظر سیاسی نیز، حمایت دموکرات‌ها و مستقل‌ها به‌شدت کاهش یافته، در حالی که حمایت جمهوری‌خواهان تقریباً ثابت مانده است. این تغییرات گسترده در افکار عمومی، فشار فزاینده‌ای را بر سیاستمداران آمریکایی و کشورهای غربی وارد کرده است.

این موضوع نشان می‌دهد که حمایت‌های بین‌المللی، به‌ویژه از سوی ایالات متحده، اگرچه همچنان وجود دارد، اما می‌شود گفت که از تضمین‌های سفت‌وسخت گذشته فاصله گرفته است. این امر به‌طور مستقیم بر روی سیاست‌های اسرائیل تأثیر می‌گذارد. اگر اسرائیل نتواند روی حمایت بی‌قیدوشرط متحدانش حساب کند، در موقعیت آسیب‌پذیرتری قرار می‌گیرد. شهرک‌نشینان هم که به این حمایت‌ها تکیه کرده بودند، اکنون با واقعیت جدیدی روبه‌رو هستند. این عدم اطمینان در سطح بین‌المللی، به عدم اطمینان در سطح داخلی دامن می‌زند و حس «رهاشدگی» که جروزالم پست به آن اشاره کرد را تقویت می‌کند.